



۱۰

خوشنویسی امیرخانی در معرض تماشا

طبق آمارهای وزیر ارشاد، ایرانی‌ها به طور میانگین روزانه ۱۶۹ دقیقه از اینترنت استفاده می‌کنند

ما اینترنت خوارها!

۱۲

پیش‌گویی‌های آقای «پرزیدنت»



۱۱

فرهنگ

شنبه ۷ دی ۱۳۹۸ :: شماره ۵۵۶۱



پشت صحنه

ما و حواشی

از همان اول هم که این ستون راه افتاد قصد داشتیم در مورد فضایی حرف بزنیم که پشت‌پرده تولیدات روزانه این صفحات می‌گذرد. این‌که دست شما را هم بگیریم و بیاوریم داخل تحریریه تا متوجه شوید برای تولید این چهار صفحه فرهنگی، چه اتفاقاتی داخل تحریریه و علی‌الخصوص میزفرهنگی می‌گذرد. خلاصه‌که اگر حرف وحدیثی می‌شود و مثلا ذکر می‌کنیم که ساناز قنبری بعد از سه روز استراحت مطلق پزشکی پا به تحریریه می‌گذارد، اصلا بحث خودتحویلی نیست.

آن‌طور که الان هم خودش می‌گوید، مشغول مصرف کیلو کیلو آنتی‌بیوتیک است. قنبری به دلیل ابتلای همزمان به آنفلوآنزا و عفونت ریه و همزمان شدن این ابتلائات با آلودگی هوا، چند روزی را به توصیف پزشک به استراحت مطلق پرداخت و روز گذشته بعد از چند روز غیبت، رنگ و روی تحریریه را دید. خلاصه که صفحه امروز سینمایی و بسته شدن وضبط وربطش باچنین عناصر و خبرنگاران خدمی صورت می‌گیرد که با وجود مشکل ربه و هوای آلوده، ایثارگرانه در محل کار حضور به هم می‌رسانند. خلاصه‌که اینجوری هاست.

و اما بعد... ما می‌خواهیم دست از سر حواشی برداریم اما حواشی نمی‌گذارند. نمونه‌اش گزارش همین صفحه امروز که علیزاده نوشته. علیزاده که تصور خودش هم این نبود که این همه بازخورد خواهد داشت از کانال خود روابط عمومی جشنواره فیلم فجر گرفته تا دیگری که بعضا نتخوانده، گزارش را نقد کردند. حالا هم علیزاده دوباره دست به قلم شده و این حواشی و بازخوردها را کنار هم جمع کرده و دستی به سر و گوش آنها کشیده و یک گزارش از دل‌شان استخراج کرده. این شما و این گزارش علیزاده کنار همین ستون.

در صفحه بعد هم آذر مهاجر، گزارش اخیر خبرگزاری رویترز را دستمایه قرار داده و یک سفر تاریخی تدارک دیده و شما را به قلب تاریخ برده. مهاجر رفته سراغ این موضوع که ببیند جناب رویترز که بخشی از تاریخ‌سوسه قرن اخیر در میان حافظه جمعی ما ایرانی‌هاست و بنیانگذار همین خبرگزاری هم محسوب می‌شود، در ایران چه کرده و چرا که خاطره خوبی از او به یادگار نداریم و این حرف‌ها. ورق بزنید و گزارش جذاب تاریخی مهاجر را بخوانید.

در صفحه ۱۲ هم زینب مرتضایی‌فرد آخرین آمارهایی که وزارت ارشاد درباره مصرف و میانگین استفاده از اینترنت و گوشی هوشمند و مطالعه روزنامه و این حرف‌ها را برداشته و کنار هم جمع کرده و در یک اقدام انتحاری و ریاضی‌وارانه با این اعداد بازی کرده و یک صفحه‌گرافیکی بسته در دل صفحه ۱۲. در نهایت هم در صفحه ۱۱ که سینما باشد رفته ایم سراغ گفت‌وگو با کارگردان مستند «پرزیدنت آکتور سینما» با موضوع فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی که این روزها مصادف است با سالروز فروپاشی‌اش. ▮



دکتر خبرگزاری رویترز در برلین به همراه نمثال آرنپاؤل چولیوس دیورتس، بنیان‌گذار خبرگزاری رویترز



چگونه بنیانگذار رویترز داشت تمام ایران را با ۲۰۰ هزار لیره انگلیس می‌خرد

رویترزور یسم رسانه‌ای!

گزارش هفته گذشته جام جم درباره حضور افراد بی‌ربط در میان متقاضیان کارت خبرنگاری جشنواره فیلم فجر با واکنش‌های متعددی روبه‌رو شد

وقتی عادل خبرنگار می‌شود!

امیدواریم که دلیلش، عدم دسترسی به اینترنت و توییت‌ر باشد هرچند توییت‌های بعدی که توسط ایشان منتشر شده‌این امیدواری‌ما را از بین می‌برد.

«دوگانه میثاقی-فردوسی‌پور؟» همکار خبرنگار دیگری از یکی از رسانه‌ها در شبکه‌های اجتماعی طعنه زده بود که بطور مادر گزارش‌مان به اسم محمدحسین میثاقی اشاره نکرده‌ایم و در ادامه هم نتیجه گرفته بود حتماً نیت سوئی داشته‌ایم. پاسخ این چالش بسیار ساده و روشن است. ما اسم میثاقی را ندیده بودیم و گزینه نام او را هم ذکر می‌کردیم. اصلاً بگذارید راحت و صریح بدون تعارف عرض کنیم که ما اینجا در گروه فرهنگی جام جم، تعصبی نسبت به عادل فردوسی‌پور یا محمدحسین میثاقی نداریم. اگر قرار بود طبق بعضی ادعاهایی که در این مدت شد، رعایت حال محمدحسین میثاقی را بکنیم قبلیش باید رعایت همکاران خودمان در صدا و سیما را می‌کردیم نه این‌که تقریباً دو برابر حجمی که به فردوسی‌پور کرده‌ایم، به متقاضیان معرفی شده از صدا و سیما بکنیم. ▮

و سرد سال که کسی خبری از فرهنگ نمی‌گیرد، به دنبال پوشش رویدادهای فرهنگی و سینمایی‌اند.

«دوگانه فردوسی‌پور، صداوسیما؟» دوست خبرنگار دیگری توییت کرده بود: «خبرنگار جام جم اسم عادل را ندیده ولی چند ردیف پایین‌تر نام‌های دیگر از صداوسیما را ندیده». خوب هر کسی که گزارش آن روز ما را کامل خوانده بود متوجه می‌شد تقریباً دو برابر حجمی که به حضور فردوسی‌پور نقد شده، به لیست بلندبالایی انتقاد شده که از طرف صدا و سیما در جشنواره ثبت‌نام کرده‌اند. نفس این موضع‌گیری یعنی این همکار خبرنگاران بدون این‌که گزارش را ندیده یا خوانده باشد، صرفاً بر مبنای مشهورات ناقص فضای مجازی، قضاوت و در ادامه هم حکم صادر کرده.

هرچند ما هم این موضوع را به ایشان متذکر شدیم ولی جالب است بدانید این همکار گرامی تا لحظه تنظیم این گزارش که دو روز از ماجرا گذشته (ساعت ۱۶:۱۰ جمعه ششم دی‌ماه ۹۸) و با وجود آن‌که ما هم اشتباه‌ش را به اطلاعش رسانده بودیم، هنوز هم هنوز است توییت مورد اشاره را اصلاح نکرده.

شما که غریبه نیستید، وقتی روز سه‌شنبه هفته گذشته داشتیم گزارش مربوط به اسامی بی‌ارتباطی را می‌نوشتیم که تحت عنوان خبرنگار فرهنگی و سینمایی در جشنواره فیلم فجر ثبت‌نام کرده‌اند، فکرش را نمی‌کردیم که این گزارش این همه حاشیه‌ساز شود و دنباله داشته باشد. دنباله‌هایی که تا الان که در بعد از ظهر جمعه مشغول نگارش آن هستیم همچنان ادامه دارند. همین هم باعث شد که در ادامه و تکمیل آن گزارش، متن دیگری بنویسیم و درباره این حاشیه‌ها و نقد و نظرها صحبت کنیم. نقد و نظرهایی که بعضاً وارد بود و بعضاً هم ناوارد. بخشی از این بحث‌ها را اینجا و در قالب یک گزارش از ما بپذیرید و وارد بودن یا نبودن‌شان هم با قضاوت خودتان.



محمدصادق علیزاده
دبیر فرهنگ و هنر

شاید مشخص بود که نقدی که در گزارش وارد کرده‌ایم به کجاست.

تقریباً یکی از حرف‌ها و دغدغه‌های همیشگی خبرنگاران و روزنامه‌نگاران فرهنگی این است که چرا افرادی که حوزه کاری‌شان سینما نیست در جشنواره و آن‌هم در سینمای اصلی اهل رسانه حضور دارند. ما به همان دلیلی که به ثبت‌نام خبرنگاران پایگاه اطلاع‌رسانی دولت با کار ویژه پوشش اخبار هیات دولت و افراد غیرمرتبط سینما و فرهنگ در میان منتقدان سینمایی و تعدادی از برنامه‌سازان صداوسیما نقد وارد کرده بودیم که چرا در رویدادی ثبت‌نام کرده‌اند که در درجه اول حق حضور خبرنگاران سینمایی و فرهنگی است، دقیقاً به همان دلیل هم حضور عادل فردوسی‌پور برایمان محل سوال بوده و هنوز هم هست. وقتی هم در نسبت با جشنواره فیلم فجر، عنوان خبرنگار را به کار می‌بریم طبعاً پیش‌فرض این است که مقصودمان خبرنگاران سینمایی و فرهنگی‌اند.

راستش را بخواهید این استدلال که او در سال‌های گذشته هم حضور داشته برایمان قانع‌کننده نیست. نفر به نفر کسانی که از حوزه‌های غیرمرتبط سینما و فرهنگ در جشنواره حضور پیدا می‌کنند چه عادل فردوسی‌پور باشد چه خبرنگاران پایگاه اطلاع‌رسانی دولت چه برنامه‌سازهای صبحگاهی و شامگاهی رادیو و تلویزیون چه هر فرد دیگری، نفس حضور این افراد با هر درجه از احترام و جایگاه یعنی اشغال شدن جای کسانی که در روزهای عادی و گرم

بخش مهم و پرزنگی از حاشیه‌ها و بازخوردها مربوط به ۱۶ کلمه‌ای بود که درباره ثبت‌نام و نام‌نویسی عادل فردوسی‌پور در گزارش ذکر کرده بودیم. این‌که چرا این مجری و خبرنگار ورزشی، در جرگه اهل رسانه در جشنواره فیلم فجر ثبت‌نام کرده، تیترو مطلب این اعوجاج معنایی را ایجاد کرده بود که نفس خبرنگار بودن فردوسی‌پور و کل سابقه او زیر سوال رفته. واقعیتش را بخواهید ما اینقدر هم متوجه هستیم که فردوسی‌پور پیش و بیش از آن‌که مجری یا برنامه‌ساز ورزشی باشد، خبرنگار ورزشی است، با همه اینها اما به نظرمان

به فضا سازی آن ارزیابی کنیم.

نویسنده کتاب تأکید کرد: کار زمان این است که صحنه‌هایی را روایت کنند که مشخص شود در آن دوران زیست تاریخی و شخصیت‌ها چگونه بوده است. اگر بخواهیم تنها ارزش‌های خود را معیار قرار دهیم، چگونه می‌توانیم تأثیر پذیری داشته باشیم؟ وی با انتقاد نسبت به تأخیر دوساله چاپ کتاب بیان کرد: این کتاب دو سال درگیر ممیزی و تأیید برای انتشار بود. چرا باید از چاپ کتابی که موضوع آن روایت داستان انقلاب است، جلوگیری شود؟! اگر برای شخصیت‌های بد داستان بخواهیم از الفاظ خوب استفاده کنیم، آن‌گاه دیگر تصویر بدی از آن شخص ساخته نمی‌شود.

خوشان تصریح کرد: نمی‌خواهیم بیانیه بدهیم یا یک پیام مستقیم بنویسیم. من رمان نوجوان هم دارم که کاملاً با این رمان متفاوت است. ▮

نمی‌خواهم بیانیه بدهم

دومین نشست از سلسله نشست‌های نقد و بررسی کتاب‌های برگزیده جوایز ادبی با عنوان «طعم کتاب» با محوریت کتاب «عاشقی به سبک ون‌گوگ»، برگزیده بخش داستان بلند و رمان بزرگسال نخستین دوره جایزه ادبی شهید اندرزگو هفته گذشته در فروشگاه ترنجستان فروش برگزار شد.



محمدرضا شرفی خوشان نویسنده کتاب «عاشقی به سبک ون‌گوگ» در این نشست گفته است که به دنبال روایت دگرگونی یک انسان بوده که در جست‌وجوی خویشتن و مسیری که حرکت می‌کند، تحول خود را در مسیر انقلاب می‌داند. انقلاب تنها مساله‌ای بیرونی نیست و سیر تغییر و تحول درونی انسان است تا به انقلاب اسلامی برسد.

خوشان درباره ویژگی اصلی کتاب هم روایت جالبی دارد: جهان رمان هم من مساله اصلی نیست. وقتی بخواهیم افکار خود را ابراز کنیم، نیاز به ابزاری برای روایت داریم. ابزاری که برآمده از فرهنگ، تاریخ و زبان یک ایرانی است. در رمان ایرانی چیزی که به آن نیاز داریم، جهان درون و زیست پیرامون انسان است و نیاز به زبانی دارد که توانایی روایت آن را داشته باشد. در «عاشقی به سبک ون‌گوگ» سعی کردم این اتفاق بیفتد و جسارت زبانی و شکلی در آن استفاده شود. یکی از ویژگی‌های مهم روایت، تناسب نحوه نثر با آن شخصیت است.

خوشان برای پیشرفت در ادبیات داستانی گفت: اگر بخواهیم تنها در قالبی مشخص و آموختن داده شده به دنبال روایت داستان باشیم، ممکن است در جهان امروز اثرگذاری کمتری داشته باشد. ما نیاز به تغییرات شکلی در زبان داستانی داریم.

وی افزود: جهان رمان امروز، جهان تصویر است. نویسنده کسی نیست که فحش و نزاکت ادبی را رعایت نمی‌کند، بلکه شخصیت رمان است که نزاکت ادبی را رعایت نمی‌کند. رمان یک پیکره کلی است و سعی در فضا سازی دارد. رمان را باید با توجه به فضا سازی آن ارزیابی کنیم.

نویسنده کتاب تأکید کرد: کار زمان این است که صحنه‌هایی را روایت کنند که مشخص شود در آن دوران زیست تاریخی و شخصیت‌ها چگونه بوده است. اگر بخواهیم تنها ارزش‌های خود را معیار قرار دهیم، چگونه می‌توانیم تأثیر پذیری داشته باشیم؟ وی با انتقاد نسبت به تأخیر دوساله چاپ کتاب بیان کرد: این کتاب دو سال درگیر ممیزی و تأیید برای انتشار بود. چرا باید از چاپ کتابی که موضوع آن روایت داستان انقلاب است، جلوگیری شود؟! اگر برای شخصیت‌های بد داستان بخواهیم از الفاظ خوب استفاده کنیم، آن‌گاه دیگر تصویر بدی از آن شخص ساخته نمی‌شود.

خوشان تصریح کرد: نمی‌خواهیم بیانیه بدهیم یا یک پیام مستقیم بنویسیم. من رمان نوجوان هم دارم که کاملاً با این رمان متفاوت است. ▮